

یک زن، دو دنیا

الهام فروزنده

مقدمه

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، بانوی بی مثال و نمونه بارز عشق، ایثار و فداکاری و حجب و حیا است. زندگی ایشان از نظر همسررداری و تربیت فرزندان، بی نظیر و غیرقابل توصیف است؛ اما خوب است ببینیم در جامعه امروزی و به قول معروف، دنیای ماشینی، با عقیده ها و نظرهای متفاوت و بویژه شعارهای کذابی و خطومش هایی که بعضی از ما بهتران تعیین می کنند، زندگی ایشان تا چه میزان می تواند در موفقیت و سلامت جامعه نقش داشته باشد و چه افرادی در چه زمینه ای از ایشان پیروی می کنند.

هرگز دوست ندارم گذشته ام تکرار شود

خانم سهیلا اصلانی، فوق لیسانس رشته مدیریت: من در دوران بلوغ و جوانی، دچار بحران شخصیت بودم به طوری که افکار و عقاید سست و بدون دلیل شکل می گرفت؛ مثلاً اگر یک روز مادرم یا شخص دیگری از من می پرسید این رفتار و پوشش شما از کجا نشأت گرفته و یا به چه دلیل این عمل را انجام می دهی، پاسخ منطقی و قانع کننده ای نداشتم؛ فقط می گفتم من جوانم و باید آزاد باشم و از زندگی لذت ببرم. خلاصه، هر روز از یک هنرپیشه، دوست و آشنا تقلید می کردم و هرگز فکر نمی کردم که آیا رفتار و پوشش من حد شخصیت و منزلت یک خانم مسلمان و با فرهنگ است یا نه؟ البته گاهی خودم نیز از این وضعیت خسته می شدم. تا این که به خاطر یکی از درس هایم، مجبور به مطالعه کتابی درباره رفتار و شیوه های زندگی بانوی بزرگ اسلام، خانم فاطمه زهرا سلام الله علیها شدم و از آن زمان، حقیقت برایم روشن شد و تازه دریافتم که ای دل غافل، چه قدر از قافله عشق عقب مانده ام! از آن روز، تلاش کردم نور حقیقت بر دلم را باور کنم و رفته رفته رفتار و کردارم را در حد درک و شعورم تغییر دهم و امروز، تلاشم این است که در تمام امور زندگی، از ایشان پیروی کنم و دیدگاهم نسبت به آینده، بسیار زیبا و دوست داشتنی است و هرگز دوست ندارم گذشته ام تکرار شود.

واقعاً چه انگیزه ای باعث تغییر رفتار این خانم و اعتراف به خطاهای گذشته اش شده است؟ به نظر من، این همان رشته هدایت است؛ رشته ای که انسان را از قعر چاه تاریک نفس، به سوی روشنایی مطلق هدایت می کند. رفتن به راه، کار دشواری نیست؛ فقط کافی ست که من و شما بخواهیم و تصمیم بگیریم بر اهریمن وجودمان پیروز شویم.

به دنبال الگویی مناسب ...

در سایت مرکز امور مشارکت زنان این گونه آمده است: «یکی از معضلات فرهنگی زنان جهان، فقدان الگویی برای درک ویژگی ها و استعداد های واقعی موجودی به نام زن است. بدین لحاظ، هر مکتبی بر اساس دیدگاه خود، زن را به گونه ای معرفی کرده و برنامه های بهبود وضعیت را مطابق این دیدگاه مطرح می نماید. چندانگی برداشت از زن بر اساس محدوده و کشش تفکر انسان ها، موجب اتلاف، اصطکاک و درگیری افکار گردید و زنان را به دفاع و تهاجمات کاذب فکری سوق داده است و عجب آن که مسلمین را نیز در این غوغای تبلیغی، به سردرگمی کشانده و مبهوت خود ساخته اند؛ اما حقیقت، جدای از تشنج فکری و جنگ عقاید در جهان، به راه خود ادامه می دهد. خالق مهربان، موجودی متعالی را به عنوان نماد بارز قداست، قدرت و معنویت و اوج ایثار، زن معرفی نموده و [بستر] حرکت و تکامل او را به سوی سر منزل مقصود، با راهبردهای عملی پی ریزی نموده است تا زن برای یافتن خویش و الهی شدن، به این ارزش بانوی بزرگوار، خانم فاطمه زهرا سلام الله علیها توسل جوید و قطعاً این مسیر، ضمانتی برای سعادت زن در تمام عرصه های زندگی می باشد».

دوستانم مرا دختری موفق و امروزی می دانند!

موهایش را با آرایشی خاص، به روی صورتش ریخته و چهره اش آکنده از مواد آرایشی است؛ به گونه ای که بوی تند این مواد در فضای اطرافش پیچیده. با دوستانش، سرگرم مزاح و شوخی است و هر از گاهی، یکی از اساتیدش را مورد مضحکه قرار داده و با صدای بلند، با هم می خندند. وارد جمعشان می شوم و خودم را معرفی می کنم. از وجود من احساس خوشایندی ندارند؛ برای همین، بی درنگ، پرسشم را مطرح می کنم. در زندگی فردی و اجتماعی، از چه الگویی تقلید می کنید و تا چه اندازه مسیر انتخابی تان را باور دارید؟ در پاسخ می گوید:

من اصلاً حوصله این بحث ها را ندارم؛ چون می دانم شما از این پرسش می خواهی به چه نتیجه ای برسی؛ ولی برای این که روشنت کرده باشم، باید بدانی بیش تر جوان ها، طرز فکرشان بالا رفته و با وجود رسانه های جهانی مثل ماهواره، راه را از چاه می دانند و نیازی به آقا بالاسر و به قول شما الگوی اخلاقی نیست. برای نمونه، خود من همیشه مورد تأیید دوستانم بوده ام؛ آن ها عقیده دارند که من از هر نظر، دختری موفق و امروزی هستم.

با نگاهی به دوستانش، می توان معنی موفق و به قول خودش امروزی بودن را درک کرد. واقعاً اگر این جمع، او را دختری موفق بدانند، بعید نیست؛ چون آن ها نیز مثل او اصالت خود را فدای دل خوشی های دروغین کرده اند. آیا واقعاً جسارت او در تمسخر استادان و رفتارهای ناهنجار اخلاقی، موفقیت به شمار می آید؟! قضاوت نهایی با شما.

فاطمه سودمند روان شناس و مشاور خانواده می گوید: بیش تر مراجعان به این دفتر، زوج های جوانی هستند که در ابتدای زندگی، به دلیل عدم گذشت و ایثار و درک متقابل در زندگی مشترکشان، دچار اختلاف و مشکل می شوند و گرمای عشق را به علت مسایل بیهوده و سطحی، به خاکستر تنفر تبدیل می کنند. هر یک از این زوجها می خواهند نظر و عقیده خودشان را بر دیگری تحمیل کنند و زندگی را به محل نبرد تبدیل می کنند که باید در این نبرد، یکی بر دیگری غالب شود. برای جلوگیری از این طرز فکرها و این گونه مشکلات، انسان به عنوان یک مسلمان، باید رجوع کند به بزرگان دین و از الگوهای رفتاری چون خانم فاطمه زهرا و حضرت علی علیه السلام الگو بردارد. برای مثال، در زندگی این دو بزرگوار، تمام کار و مسئولیت ها را بین خودشان تقسیم می کردند و هر دو در گذران زندگی، به یکدیگر کمک و یاری می رساندند و هم چنین در بسیاری از موارد، حضرت علی علیه السلام در جهاد به سر می بردند و در نبود ایشان، حضرت فاطمه سلام الله علیها با صبر و تحمل، در تربیت فرزندان کوشش بسیار می کردند و در همه مراحل زندگی، پشتیبانی قوی برای حضرت علی علیه السلام به شمار می رفتند. حالا اگر کانون یک خانواده بر اساس این عقیده شکل گرفته باشد، نه تنها زندگی برای زن و شوهر، دلنشین خواهد بود، بلکه فرزندان نیز در محیطی کاملاً آرام و با فرهنگی غنی، رشد خواهند کرد و به این واسطه، خانواده و جامعه به سوی تعالی می روند.

آری! فقط کافی است ساده زیستی و محبت و عشق همراه با ایثار، چاشنی زندگیمان شود و اگر قطار زندگی به روی ریل های این مسیر حرکت کند، هرگز واژگون نخواهد شد.

ساده زیستی، گوهر گمشده زندگی من

در پیچ و خم راهروی تنگ دادگاه، با دختری جوان که اندوه و اشک در چشمانش حلقه زده، روبه رو می شوم. او نگران و مضطرب است؛ نگران از آینده ای که در پیش دارد، نگران از این که چگونه بی وجود همسرش، بار سنگین زندگی را بر شانه های ظریفش تحمل می کند و از همه مهم تر، عذاب وجدان، لحظه ای او را راحت نمی گذارد و خود را عامل سیه روزی خود و همسرش می داند. او می گوید: من در زندگی، توقع های زیادی داشتم و از نظر مالی، همسرم را تحت فشار قرار می دادم و همیشه زندگی دیگران را به رخ می کشیدم تا بیش تر تلاش کند.

همسرم بنده خدا، همه زندگی اش در کار خلاصه می شد. از صبح که ما خواب بودیم، از خانه بیرون می رفت و زمانی که به خانه بر می گشت، باز ما در خواب بودیم. اما زهی تاسف که پشیمانی سودی ندارد! او که می دید توقع ها و خواسته های من روز به روز بیش تر می شود، به کارهای خلاف کشیده شد و حالا پشت میله های زندان، باید حسرت زندگی راحت و بی دغدغه را داشته باشد. من نیز با کوله باری از پشیمانی بایستی چشم به راهش بنشینم. من از همه جوان ها خواهش می کنم قدر زندگی ساده و راحت خود را بدانند و در زندگی، در پی زیاده خواهی و توقع های بیش از حد توان همسرشان نباشند و کانون گرمشان را بر پایه اعتقادات و پیروی از ائمه و بزرگان بنا کنند.

زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها را از هر جهت بنگریم، دارای امتیاز ویژه و فوق العاده ای است و ساده زیستی در زندگی آن حضرت، بسیار نمایان است. حضرت زهرا سلام الله علیها دختر نخستین شخص عالم اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود و مادرش، ثروتمندترین زن حجاز؛ با این حال می بینیم در شب زفاف، لباس عروسی اش را به ساتلی می دهد و با تنها پیراهنی که دارد، به خانه شوهر می رود.

می‌خواهم خودم باشم

دختر جوان محجبه‌ای به نام «سارا اسماعیل»، پشت پیشخوان یک اغذیه‌فروشی، مشغول رسیدگی به درخواست مشتریان است. در بدو چشم همه آنان بدون استثنا به سمت سارا خیره می‌شود که روسری بر سر دارد. روزنامه «کریستین ساینس مانیتور» در این باره می‌نویسد: سارا در برخورد با زن و شوهرها، مادران و بچه‌های کوچکشان و پسرها، با همه یک‌جور رفتار می‌کند. در بین کارکنان رستوران، فقط او باحجاب است. حجاب، پوششی است که مو، گوش و گردن زنان مسلمان را پوشیده نگه می‌دارد. تناقض عجیبی بین سارا و اعضای خانواده‌اش که روبه‌روی مسجد بدون حجاب منتظرند، وجود دارد. تشخیص سارا در میان دیگر دوستان نوجوانش که دوستان غیرمسلمان‌ش لفظ «حجابی‌ها» را در مورد آنان به کار می‌برند، سخت است. او دانش‌آموز سال آخر دبیرستان است و درباره حجاب خودش می‌گوید: این تنها یک نوع پوشش نیست، بلکه نشان‌دهنده سبک زندگی و نشان‌دهنده هویت من است. او الکل نمی‌نوشد و سیگار نمی‌کشد و قرار ملاقات با پسری نمی‌گذارد و پنج نوبت در روز، مشغول انجام هر کاری باشد، به نماز می‌ایستد، او یکی از تعداد رو به رشد نوجوانان آمریکایی مسلمان است



که حجاب دارند. چیزی که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، جای تعجب دارد.

سارا یک زندگی معمولی دارد و در اغذیه‌فروشی کار می‌کند و به باشگاه ورزشی می‌رود. شب‌های جمعه را در مسجد و تعطیلات آخر هفته را هم با دیگر دوستان باحجابش می‌گذراند.

سارا پایبند اصول اخلاقی است و در عین خوش‌برخورد بودن، نماینده ثابت‌قدم مذهبش است و توانایی این را دارد که از پس نگاه‌ها و پرسش‌های دیگران برآید.

«سینتیا اندرس»، نویسنده مقاله «کریستین مانیتور» در تعریف «حجاب» می‌گوید: در اسلام به حجب و اعتدال در پوشش و رفتار همه پیروان این دین تأکید شده است. زنانی که در محیط عمومی ظاهر می‌شوند، دست، بازو و پای خود را از دید مردان جامعه پوشیده نگه می‌دارند. سارا می‌گوید: حجاب یک تذکر دایمی برای اوست که به خود و دیگران احترام بگذارد و این کار، او را به

پایبندی‌اش بر اصول اسلامی، اطاعت و نیکوکاری و نوع‌دوستی تشویق می‌کند. او ادامه می‌دهد: شما باید همیشه خدا را در هر کاری که در حال انجامش هستید، در نظر بگیرید. هر کاری که می‌کنید، باید خدا از آن راضی باشد. طرز رفتار سارا کاملاً حساب‌شده و محدود است. او می‌گوید: اگر می‌خواهید از یک الگوی رفتاری متعادل و محترمانه پیروی کنید، باید خودتان باشید. البته باید گفت سارا تاکنون به خاطر حجابش مورد اذیت قرار نگرفته، چراکه بیشتر این امنیت را مرهون زنان مسلمان پیش از خودش است.

نشان او در دل هر عاشق بی‌نشان

پشت دیوار بقیع نشسته و گریه‌کنان با خود نجوا می‌کند: ای خدای من! زمانی که فقط بوی یاس را حس می‌کنی و نشانی از او نداری و حتی حقیقت را می‌دانی، ولی صدایت در گلو خفه شده و جرئت فریاد نداری، وقتی حس می‌کنی

عاشقی و نشانی از معشوق نداری، نفس کشیدن و زندگی چه سودی دارد؟!

ناله‌ها و نوحه‌های این جوان دل‌سوخته، فریاد توجه به دین خدا را در دل‌ها زنده می‌کند؛ چنان‌که حضرت فاطمه‌سلام‌الله‌علیها، در طول زندگی پرپرکشان، بارها فریاد «بیدارباش مسلمان که راه اصیل دین خدا گم نشود» را تکرار می‌کند.

ای بانوی بی‌نشان! تنها در دل هر عاشقی نشان از عشق و مهربانی دارید که تا ابد، دل عاشق، چون پروانه‌ای به دور شمع خواهد سوخت و قسم به دل این عاشق، ما جوانان را به حال خود رها نکنید! باشد که ما به عنوان شیعیان و عزاداران مصائب شما به دین خدا اهتمام ورزیم و بکوشیم تا راه ولایت علوی علیه‌السلام را گم نکنیم.